

عاشورا، عقبه انتظار.....

نعمت‌الله یوسفیان

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

«سنگینی بار انتظار بر پشت ما، سنگینی یک سال و دو سال نیست، سنگینی یک قرن و دو قرن نیست، حتی از زمان تودیع یازدهمین خورشید نیست.

تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلم که در عاشورا بر ما رفته است، برمی‌گردد به آن تیرها که از گمان قساوت برخاست و بر گلوی مظلومیت نشست، به آن سم اسپهای کفر که ابدان مطهر توحید را مشبک کرد، به آن جنایتی که دست و پای مردانگی را برید.

از آن زمان تاکنون ما به آب حیاتِ انتظار زنده‌ایم، انتظار ظهور منتقم خون حسین.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

با اینکه بیش از ۱۳۶۵ سال از حماسه بی‌بدیل عاشورای حسینی می‌گذرد و تاکنون افزون بر صدها کتاب و هزاران مقاله درباره عظمت این حادثه تاریخی و جاودانه به رشته تحریر درآمده است؛ اما بدون تردید بررسی ابعاد مختلف این نهضت، همچنان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و نیازی غیرقابل انکار است.

مقاله حاضر به بررسی پیوند عاشورا و انتظار و نقش و تأثیر نهضت عاشورا به عنوان عقبه و بزرگ‌ترین پشتوانه فرهنگی انتظار در بیدارسازی مردم جهان و زمینه چینی ظهور امام زمان(ع)، می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: عاشورا، امام حسین(ع)، حضرت مهدی(ع)، انتظار، بعثت، غدیر.

مقدمه

خداوند انسان را آفریده تا او را به مقام خلیفه اللهی و کمال نهایی خویش برساند. دستیابی به این کمال در پرتو دین و قانون خداوند میسر است و خداوند، با ارسال رسولان و فرستادن کتاب‌های آسمانی، انسان را به آن رهنمون می‌سازد. این انسان است که باید خویشتن را در معرض دین و قانون خدا قرار دهد و از هدایت‌های الهی بهره‌مند گردد؛ زندگی خود را بر پایه دین خدا بنا کند و با عمل به دستورهای آن به تدریج تعالی و تکامل یابد. برنامه و نقشه خداوند برای سعادت انسان و اجتماع، حاکمیت توحید و عدل برگستره گیتی است که در آیات بسیاری از قرآن کریم تبیین شده است.^۲

این برنامه الهی چیزی نیست که برخلاف مسیر و مجرای علل و اسباب طبیعی و با زور و اجبار بخواهد عملی شود، بلکه مقدمات و شرایطی لازم دارد؛ از آن جمله است:

۱. وجود طرح و برنامه عادلانه کامل که قابلیت اجرا در هر زمان و مکانی را داشته و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان باشد.
۲. وجود رهبر و پیشوایی شایسته و بزرگ که شایستگی رهبری همه جانبه را داشته باشد.
۳. وجود یاران همکار و همفکر و پایدار.
۴. وجود توده‌های مردمی آگاه و برخوردار از فرهنگ و شعور اجتماعی و روحیه فداکاری. بدیهی است که این مقدمات و شرایط در گذر زمان تحقق خواهد یافت و آرمان حاکمیت جهانی توحید و عدالت را عملی خواهد ساخت. برای تحقق عینی این طرح و نقشه الهی در علم ازلی خداوند چهار حادثه بزرگ در عالم تعبیر شده است که هر کدام نقشی ویژه در این زمینه ایفا می‌کنند و مقدمات و شرایط لازم را برای آن امر عظیم الهی فراهم می‌سازد. آن حوادث چهارگانه عبارتند از: بعثت، غدیر، عاشورا و ظهور حضرت مهدی (ع).

بعثت انبیا

بنای خداوند تعالی از اول بر این بود که برای سعادت بشر طرحی جهانی در اندازد و توحید و عدالت را در سراسر عالم حاکم کند. نقشه این بود که در جهان یک حکومت و قانون حاکم باشد و همه تحت آن حکومت و قانون با صلح و صفا زندگی کنند. رفاه و امنیت و آرامش

در همه جا برقرار و زندگی برای همه زیبا و باطراوت باشد. ولی موانعی در سر راه این برنامه وجود داشت و طبیعی است که برای تحقق آن بایستی موانع برطرف گردد.

یکی از موانع، مبتدی بودن بشر است؛ از آن جایی که بشر مبتدی و در آغاز راه بود، باید در کلاس انبیا حضور می یافت، از تعالیم آنان بهره مند می گردید و در گذر زمان رشد و تعالی می یافت. از این رو خداوند، طرح حاکمیت جهانی توحید و عدل و تبیین برنامه عادلانه و کامل و قابل اجرا در همه اعصار و امصار را در قالب بعثت پیامبران به اجرا درآورد. پیامبران الهی یکی پس از دیگری آمدند و قانون خداوند را به گوش بشر رساندند و در راه ایفای رسالت خویش تلاشهای فراوان کردند، شکنجه ها دیدند، تهدیدها، تبعیدها و تمسخرها را به جان خریدند و آنچه در توان داشتند در طبق اخلاص نهادند و بشر مبتدی را به پیش بردند و حتی جمع کثیری از آنان به شهادت رسیدند.

برخی از آیات که به تبیین این برنامه الهی پرداخته اند عبارتند از:

۱. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ. (بقره: ۲۱۳)

۲. وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ. (نحل: ۳۶)

۳. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید: ۲۵)

بشر به مرور زمان در پرتو تعالیم پیامبران رشد و تعالی پیدا کرد و به مرحله ای رسید که بتواند موارث فرهنگی خود را حفظ کند. از این رو، بعثت پیامبران با ظهور حضرت محمد بن عبدالله (ص) و نزول قرآن کریم خاتمه یافت؛ آخرین و کامل ترین دین و کتاب آسمانی به بشر عرضه شد و به این ترتیب قانون عادلانه کامل و قابل اجرا در همه زمانها و مکانها و تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی در اختیار بشر قرار گرفت.

رسالت پیغمبر اکرم (ص) چنان گسترده بود که در طول تاریخ بعد از او پیامبری از جانب خداوند برانگیخته نشد و در عرصه گیتی و همزمان با نبوت او کسی دیگر به پیامبری نرسید. به همین جهت، نه تنها او از انبیای اولوالعزم به شمار می آید، بلکه خاتم المرسلین و پایان بخش جریان نبوت و رسالت است و تمام ادله ای که بر خاتمیت آن حضرت دلالت دارند، بر جهانی بودن رسالت آن حضرت نیز دلالت خواهند داشت.^۳

قضیه با ختم نبوت فیصله نیافت؛ زیرا بر اساس علل و اسباب طبیعی هنوز وقت آن نرسیده بود که نقشه نهایی خداوند برای تحقق آرمان حاکمیت جهانی توحید و عدالت عملی شود.

غدیر

بعثت برای راه نشان دادن به بشر و ارایه بر نامه و نقشه سعادت و قانون عادلانه و کامل و قابل اجرا در همه زمانها و مکانها و تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی بشر است که با ظهور رسول خدا(ص) و نزول قرآن کریم به کامل ترین حد خود رسید.

برای تداوم بعثت و رسالت می بایست سیستمی از جانب خداوند طراحی می شد که پس از ارایه آخرین و کامل ترین دین، بتواند مجاهدتها و تلاشهای همه انبیا را به ثمر بنشانند و راه آنها را تداوم بخشد.

این سیستم عبارت بود از «ولایت امیرمؤمنان علی بن ابیطالب و فرزندان طاهرینش(ع)». پیغمبر اکرم(ص) از جانب خداوند مأمور بود که مقدمات لازم برای طرح این سیستم الهی را فراهم سازد؛ از این رو، آن حضرت از آغازین لحظات رسالت خویش تا زمانی که از این عالم رخت بریست و در جوار ملکوت آرמיד، در ایفای این مأموریت کوشید و سرانجام، طراحی این سیستم الهی در جریان غدیر خم نهایی شد و خطاب رسید که:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ. (مانده: ۶۷)

و رسول اکرم(ص) پیام الهی را به مردم رساند و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۲ و مردم نیز ولایت او را پذیرفتند و بدینوسیله دین الهی به کمال نهایی خود رسید و مورد رضایت خداوند قرار گرفت؛ چنان که فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا.» (مانده: ۳)

اگر غدیر نبود بعثت، ابتر می ماند و ثمر نمی داد؛ غدیر، خط نشانی است که در آخرین قطعه از تاریخ بشر (آخرالزمان) از جانب خداوند برتر کشیده شده است تا بشر را برای رسیدن به تعالی و تکامل نهایی خود آماده سازد. رسول خدا(ص) از جانب خداوند این خط سیر را برای مردم به خوبی تبیین فرمود و همه سلسله ای که یکی پس از دیگری قرار خواهند گرفت و راه او را تداوم خواهند بخشید به مردم معرفی کرد.

بنابراین، غدیر در راستای بعثت و معرفی قانون کامل و جهانی، سیستم مدیریت جامعه به وسیله رهبران شایسته را معرفی کرده و تحقق عینی آرمان حاکمیت جهانی اسلام و گسترش توحید و عدل در عالم به دست باکفایت آخرین وصی پیغمبر خاتم، حضرت حجة بن الحسن العسکری (ع) را به خوبی تبیین فرموده است.

عاشورا

حادثه دیگری که پس از بعثت و غدیر در علم ازلی خداوند برای تحقق امر عظیم حاکمیت توحید و عدل در گستره گیتی، در عالم تعبیه شده است، حادثه عاشورای حسینی است.

قضیه امام حسین (ع) و واقعه عاشورا از اموری است که همچون بعثت و غدیر از جانب خود خداوند تعالی روی آن سرمایه گذاری شده است. حتی اولین روضه مصیبت آن حضرت را خود توسط حضرت جبرئیل (ع) بر حضرت آدم (ع) خوانده و او بر سیدالشهدا (ع) و عاشورا گریسته و اشک ریخته است.^۵

بسیاری از انبیای دیگر در مصیبت امام حسین (ع) و عاشورا گریسته‌اند؛ حضرت ابراهیم (ع) بر حسین (ع) گریه و زاری کرد.^۶ حضرت زکریا (ع) بر امام حسین (ع) گریه و نوحه سرایی کرد.^۷

حضرت اسماعیل (ع)، حضرت سلیمان (ع) و حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) بر قاتلان امام حسین (ع) نفرین کرده‌اند.^۸ خبر شهادت سالار شهیدان سیصد سال قبل از بعثت رسول خدا (ص) در اخبار نصرانی آمده که در یکی از کنیسه‌های مسیحیت نوشته است:

«أَيُّرَجُوا مَعْتَرًا قَتَلُوا حُسَيْنًا شَفَاعَةَ جَدِّهِ يَوْمَ الْحِسَابِ»^۹

آیا گروهی که حسین (ع) را کشتند شفاعت جدش را در قیامت امید دارند؟

حضرت جبرئیل (ع) نیز بر حسین (ع) گریسته است.^{۱۰}

رسول خدا (ص) حتی قبل از تولد امام حسین (ع)، از حوادث و وقایع عاشورا و مصایب آن خبر داده است و خود نیز بر آن گریسته است.

امت اسلامی پس از رحلت رسول اکرم (ص)، تمام توصیه‌های آن حضرت را در ولایت و رهبری جامعه نادیده گرفت و به انحراف و ارتجاع گرایید. انحراف از مسیر

ولایت و رهبری پس از پنجاه سال از رحلت پیامبر (ص) به اوج خود رسید و چنانچه ادامه می یافت دیگر نه از تاک، نشان بود و نه از تاک نشان.

از این رو، رسول خدا (ص) در زمان حیات خود نه تنها بر غدیر پای فشرد، بلکه در مناسبت های مختلف از آینده خبر داد و با سخنان و سیره عملی خود اذهان مردم را آماده می کرد. در میان همه تأکیدها و سرمایه گذار بهای آن حضرت درباره اسلام و مسائل مورد نیاز مردم و جامعه، در مورد امام حسین (ع) و حادثه عاشورا نیز فراوان سرمایه گذاری کرد؛ به گونه ای که حتی پس از پنجاه سال برخی از مردم آزاده با استناد به سخنان و سیره نبوی به دفاع از امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) می پرداختند.

امامان معصوم (ع) نیز به اتفاق نسبت به امام حسین (ع) و عاشورا و عزاداری بر سالار شهیدان فراوان تأکید کرده اند و به احیای آن فرمان داده اند.

انتظار و ظهور مهدی موعود (ع)

حادثه دیگری که در علم ازلی خداوند برای تحقق حاکمیت جهانی توحید و عدالت در عالم تعبیه شده است، قضیه ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است که بر اساس آن مؤمنان به انتظار فرج آن حضرت مأمور شده اند.

همه برنامه های الهی از بعثت و غدیر و عاشورا و انتظار برای تحقق امر عظیم حاکمیت جهانی توحید و عدل توسط قائم آل محمد (ص) است. از این رو، همان گونه که خداوند تعالی درباره بعثت و غدیر و عاشورا زمینه چینی کرد، اذهان بشر را درباره ظهور حضرت مهدی (عج) و انتظار فرجش نیز آماده کرده است.

این گونه نیست که دنیا همیشه به کام دشمنان باشد و صالحان و مردمان خوب از مواهب آن محروم باشند، بلکه سرانجام، اوضاع تغییر خواهد کرد و بشر طعم خوش زندگی را به کام خویش خواهد چشید، بهار زندگی خود را به رأی العین باور خواهد کرد و روزگارش طراوت خواهد گرفت و خوشبختی را در آغوش خواهد کشید. به تعبیر امیر مؤمنان (ع) که فرمود: «لَتَغَطَّرَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شَهَابِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَكْدِهَا»^{۱۱} دنیا پس از سرکشی، به ما روی می کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد.

حضرت مهدی (عج)، بهار زندگی انسان‌ها و طراوت روزگاران است: «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ»^{۱۲} ادیان آسمانی ظهورش را بشارت داده‌اند. قرآن کریم نیز در برخی از آیاتی که آینده جهان را به تصویر کشیده و قسط و عدل، امنیت و آرامش و تمدن عظیم و حکومت صالحان را بشارت داده، ظهور حضرت مهدی (ع) را نوید داده است. آیات زیر از آن جمله‌اند:

- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ يُكَيِّدَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا إِنَّهُمْ يَعْبُدُونَني لَا يُشْرِكُونَ بي شَيْئًا». (نور: ۵۵)

- «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (فصص: ۵)
- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (توبه: ۳۳)

- «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء: ۱۰۵)
- «وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا». (اسراء: ۸۱)

روایاتی که در تفسیر این‌گونه آیات وارد شده است، زمان تحقق این بشارت‌های الهی را هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند، به عنوان نمونه، امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۳۳ سوره توبه فرمود:

این آیه مبارکه به هنگام خروج مهدی آل محمد (ص) تحقق می‌یابد. دیگر احدی در روی زمین باقی نمی‌ماند جز اینکه به رسالت محمد (ص) اعتراف می‌کند.^{۱۳}

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه شریفه پرسیدم، در جواب فرمود: «به خدا سوگند هنوز موقع تأویل این آیه نرسیده است». عرض کردم: قربانت گروم چه وقت موقع آن می‌رسد؟ فرمود:

هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند، موقع تأویل این آیه فرامی‌رسد؛ چون حضرت قائم (ع) قیام کند هر کافر و مشرکی، ظهور او را ناخوش دارد؛ زیرا اگر کافر یا مشرک در دل سنگی پنهان شود آن سنگ صدا می‌زند. ای مؤمن! کافر یا مشرکی در دل من پنهان شده است بیا و او را به قتل برسان! و خداوند او را بیرون می‌آورد و یاران حضرت قائم (ع) او را به قتل می‌رسانند.^{۱۴}

در کتاب «عقد الدرر»، از حذیفه بن یمان روایت کرده است که گفت: روزی رسول خدا (ص) برای ما خطبه خواند و آنچه تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد برای ما بیان نمود، بعد از آن فرمود:

اگر از عمر دنیا بیشتر از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان مرا برانگیزاند که نام او نام من است.

سلمان برخاست و گفت: یا رسول الله! از کدام فرزند تو به دنیا خواهد آمد؟ فرمود: از این فرزندم و دست خود را به حسین (ع) زد.^{۱۵}

با توجه به بشارت‌های الهی و رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع)، مردم همواره ظهور قائم به عدل و داد را انتظار می‌کشیدند و درباره آن پرس و جو می‌کردند، تا شاید او را بیابند و در التزام رکاب او باشند و یاری‌اش کنند. به عنوان نمونه «حکم بن ابی نعیم» روایت کرده، می‌گوید: در مدینه خدمت امام باقر (ع) رسیدم و عرض کردم: من بین رکن و مقام (خانه کعبه) نذر کرده و به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم تا زمانی که بدانم شما قائم آل محمد هستی یا نه. حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. من سی روز در مدینه بودم، سپس در بین راهی به من برخورد و فرمود: ای حکم! تو هنوز اینجا ای؟

گفتم: آری، من نذری که کرده‌ام به شما عرض کردم و شما مرا امر و نهی نکردید و پاسخی نفرمودی.

فرمود: فردا صبح زود منزل من بیا. فردا خدمت‌ش رفتیم، فرمود: مطلبت را پرس. عرض کردم: من بین رکن و مقام نذر کرده و روزه و صدقه‌ای برای خدا به عهده گرفته‌ام که اگر شما را ملاقات کردم از مدینه بیرون نروم، جز آنکه بدانم شما قائم آل محمد (ص) هستی یا نه؟ اگر شما هستی ملازم خدمتت باشم و اگر نیستی، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم.

فرمود: ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.

عرض کردم: شما مهدی هستی؟ فرمود: همه ما به سوی خدا هدایت می‌کنیم.

عرض کردم: شما صاحب شمشیر هستید؟ فرمود: همه ما صاحب شمشیر و وراث

شمشیریم (شمشیر پیغمبر به ما ارث رسیده و همراه ماست).

عرض کردم: شما هستی آن کسی که دشمنان خدا را می‌کشی و دوستان خدا به وسیله شما عزیز می‌شوند و دین خدا آشکار می‌گردد؟
فرمود: ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به چهل و پنج سالگی رسیده‌ام؟ و حال آنکه صاحب این امر (که تو از آن می‌پرسی) از من به دوران شیرخوارگی نزدیک‌تر و هنگام سواری چالاک‌تر است.^{۱۶}

جایگاه عاشورا و انتظار

حوادث چهارگانه یاد شده به گونه‌ای در عالم تعبیه شده است که اگر یکی از حلقات آن مفقود گردد، تحقق امر عظیم حاکمیت جهانی توحید و عدل در گستره گیتی دچار مشکل می‌شد. بشر تا مسیر از بعثت تا ظهور را نپیماید و از تعالیم انبیا و اوصیا و امامان معصوم بهره‌مند نگردد و در گذر زمان به رشد و تعالی مطلوب نرسد هرگز نخواهد توانست بار گرانسنگ عدالت جهانی مهدوی را برگردۀ خویش تحمل کند.

در میان حلقات یاد شده، عاشورا و انتظار پیوندی دیرین و مستحکم دارند و از اهمیتی دو چندان برخوردارند؛ چرا که اگر عاشورا نمی‌بود تمام تلاشها و مجاهدتهای پیامبران الهی بی‌نتیجه می‌ماند و از دین و دیانت نام و نشانی به جای نمی‌ماند؛ و اگر انتظار نمی‌بود چشمه غدیر می‌خشکید.

عاشورا، رمز قیام و به پا خاستن شیعه بر ضد ظلم و ستم است و انتظار، رمز بقا و استمرار آن. عاشورا، حلقه اتصال بعثت و غدیر است به ظهور مهدی آل محمد(ص)، و انتظار، تداوم عاشورا، غدیر و بعثت.

و این دو به منزله دو بال برای پرواز شیعه است به سوی کمال مطلوب و آمال و آرزوی دیرین بشر.

عاشورا، عقبه انتظار

عاشورا در بجه‌ای است به انتظار و انتظار تجلی آرزوها و آمال کربلا. به بیان دیگر انتظار، همان عاشورا و کربلا است در گستره زمین و در مقطعی دیگر از تاریخ. بدون عاشورا و کربلا، انتظار مفهومی ندارد و انتظار ثمره عاشورا و کربلا است.

مگر می‌توان بی‌عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی‌عاشورا، انتظار بی‌پشتوانه است. قیام و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) برای آمال بشر، پشتوانه و عقبه‌ای می‌خواهد به استحکام عاشورا و کربلا، تا در هیچ شرایطی به سردی و خاموشی نگراید.^{۱۷} چنان‌که رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا.^{۱۸}

همانا برای شهادت حسین (ع) گرمی و حرارتی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود.

سیدالشهداء (ع) نیز به فرزندش امام سجاد (ع) فرمود:

«يَا وَلَدِي! يَا عَلِيُّ! وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ فَيَقْتُلُ عَلَيَّ دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْكَافِرَةِ السَّقَاةِ سَبْعِينَ أَلْفًا»^{۱۹}

فرزندم! علی! به خدا سوگند خون من آرام نمی‌گیرد تا خداوند مهدی (ع) را برانگیزاند و بر خون من هفتاد هزار نفر از مردمان منافق کافر و نافرمان را بکشد.

در صبح روز عاشورا نیز چند ساعت مانده به شهادت یاران خود در خطبه‌ای وحی‌گونه، به آینده و تحولات آینده پرداخت و ره‌آورد خونهای اصحاب و یارانش در کربلا را تحلیل کرده، بشارت داد:

«فَأَبَشِّرُوا فَوَاللَّهِ لَئِنْ قَتَلْنَا فَإِنَّا نَرُدُّ عَلَى نَبِيِّنَا ثُمَّ انْكَرُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ مِنْهُ...»^{۲۰}

بشارت باد بر شما! به خدا سوگند اگر ما را بکشند (خون‌های ما هدر نمی‌رود و ما) بر پیامبرمان وارد می‌شویم، زنده و جاودان می‌مانیم (من و شما دوباره زنده می‌شویم و دوران رجعت فرا خواهد رسید) و من اول کسی خواهم بود که باز خواهم گشت (و حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عج) را تداوم خواهم بخشید).

امام باقر (ع) فرمود:

لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ صَبَّحَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّحِيبِ، وَقَالُوا: إلهنا و سيدنا أنفقنا عمن قتل صفوتك وابن صفوتك، و خيرتك من خلقك؟! فأوحى الله عزَّوَجَلَّ إليهم: قروا ملائكتي، فوعزتي و جلالی لأنفقن منهم ولو بعد حين. ثم كشف الله

عَزَّوَجَلَّ عَنِ الْاَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (ع) لِّلْمَلَايِكَةِ، فَسُرَّتِ الْمَلَايِكَةُ بِذَلِكَ، فَاِذَا اَحَدُهُمْ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَقَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ اَنْتُمْ مِنْهُمْ».^{۲۱}

هنگامی که جدم حسین (ع) به شهادت رسید، فرشتگان در درگاه خداوند به گریه و ضجه و ناله افتاده، گفتند: خدایا! تو درباره کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده‌ات را به قتل رسانده است، سکوت می‌کنی؟

ندا رسید: ای فرشتگان! آرام باشید! به عزت و جلالم سوگند! از آنها انتقام خواهم گرفت، اگرچه مدتی از این جرم و جنایت گذشته باشد! سپس حجابها را نسبت به فرزندان امام حسین (ع) از برابرشان کنار زد که فرشتگان با دیدن امامان از نسل امام حسین (ع) بسیار شاد و خرسند شدند و در میان آنها یک نفر ایستاده و در حال نماز بود.

ندا رسید: من به وسیله این قائم از آنها انتقام می‌گیرم.

حضرت مهدی (ع) به همراه اصحاب و یارانش با پشتوانه عاشورا و کربلا، با شعار «یا ثاراتِ الحُسین» به خونخواهی قیام خواهند کرد؛ شعاری که از ظهر عاشورا، از درون خاکِ خونین کربلا برخاست و در جام خورشید ریخت و به همه چیز رنگ خون زد. این شعار است که همه جا را کربلا کرده است و همه ماهها را محرم و همه روزها را عاشورا.^{۲۲}

امام صادق (ع) در وصف یاران حضرت مهدی (ع) فرمود:

«... رجالٌ كَانُوا قُلُوبُهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ... وَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ، يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ، وَ يَتَمَنُونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، شِعَارُهُمْ «يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ، مَسِيرَةَ شَهْرٍ، يَمْشُونَ إِلَى الْمَوْلَى أَرْسَالاً، بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ أَمَامَ الْحَقِّ».^{۲۳}

آنان، مزدانی اند پولاد دل، همه وجودشان یقین به خدا است... تنها از خدا می‌ترسند و فریاد «لا اله الا الله»، و (الله اکبر) آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدا هستند. شعار آنان «یا ثارات الحسین: بیایید به طلب خون حسین و یاران حسین! است. به هر سوی روی آورند، ترس از آنان، پیشاپیش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه بگیرد). این خداجویان، دسته دسته، به سوی خداوند (یا امام) خویش روی می‌آورند و خدا، به دست آنان، امام حق را یاری می‌کند.

گذشته از موارد یاد شده شواهد دیگری بر پیوند دیرین و مستحکم عاشورا و انتظار و

پشتوانه بودن عاشورا برای انتظار وجود دارد. برخی از این شواهد به طور فهرست وار عبارتند از:

- در دو قسمت از زیارت عاشورا، از خون خواهی حسین (ع) در رکاب حضرت مهدی (ع) سخن به میان آمده است: «... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ص)»، «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ»^{۲۴}.

- امام باقر (ع) درباره روز عاشورا و یاد مهدی (ع) می فرماید: در روز عاشورا یکدیگر را این گونه تعزیت دهید: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَاهِنَا بِالْمُسْتَيْنِ وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَرَثَةِ الْإِمَامِ الْمُهَدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ع)»^{۲۵}.

- بر اساس برخی روایات روز ظهور حضرت مهدی (ع)، روز عاشورا دانسته شده است.^{۲۶}
- کوفه، پایگاه مشترک حسین (ع) و مهدی (ع) است؛ امام حسین (ع) از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی (ع) نیز از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد؛^{۲۷} یعنی راه نیمه تمام سیدالشهداء (ع) را به پایان خواهد رساند.^{۲۸}

عاشورای مهدوی

برخی می پندارند وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور کند کارش با معجزه و بدون ریختن هیچ خونی صورت خواهد گرفت. از این رو، دوران انتظار در نگاه آنان، هنگامه شکیب، دست روی دست گذاشتن و استراحت کردن است. در حالی که قضیه چنین نیست، بلکه در دوران آن حضرت، عاشورایی دیگر رخ خواهد داد و دوران انتظار، هنگامه تدارک جنگ و آمادگی و چشم به راه حسین دیگر نشستن است در کربلایی به وسعت جهان.

بشیر نبال می گوید: به خدمت امام باقر (ع) عرض کردم: مردم می گویند: مهدی که قیام کند، کارها خود به خود درست می شود و به اندازه یک حجامت، خون نمی ریزد. حضرت فرمود: هرگز چنین نیست، به خدای جان آفرین سوگند اگر قرار بود کار، برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر (ص) درست می شد، با اینکه دنداننش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان آفرین سوگند کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق شویم. آن گاه دست بر پیشانی خود

مفضل بن عمر می گوید: نام قائم (ع) در نزد امام صادق (ع) برده شد، من گفتم: امیدوارم که کار آن امام به آسانی انجام پذیرد. حضرت فرمود:

چنین نخواهد شد مگر اینکه شما در عرق و خون غرق شوید (یعنی در آغاز رنج و زحمت و درگیری خواهد بود).^{۳۰}

بنابراین برای حضور در عاشورای مهدوی باید در دوران انتظار، آموزش های لازم را دید و خویشتن را به گونه ای تربیت کرد که لیاقت سربازی در التزام رکاب امام زمان (ع) را به دست آورد. از این رو، شایسته آن است که نهضت امام حسین (ع) الگو و سرمشق همه مهدی باوران باشد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

خوشا به حال منتظرانی که به حضور قائم برسند؛ آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشقانه دوست و موافق هستند و با دشمن او خصمانه دشمن و مخالفند.^{۳۱}

امام صادق (ع) می فرماید:

هر کس خوش دارد، در شمار اصحاب قائم باشد، باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک کنند و به حضور او برسند. پس (در دینداری و تخلق به اخلاق اسلامی) بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید. ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شما است، این کردار پاک و افکار تابناک گوارایتان باد!^{۳۲}

همان حضرت درباره ضرورت آمادگی نظامی در دوران انتظار عاشورای مهدوی فرمود:

باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگرچه یک تیر. چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک کند و از یاوران مهدی باشد (یا برای این آمادگی، به ثواب درک ظهور برسد).^{۳۳}

تأثیر عاشورا در زمینه سازی ظهور

ظهور حضرت مهدی (ع) و تحقق حاکمیت جهانی اسلام و گسترش عدل و توحید در عالم، مقدمات و شرایطی دارد که بدون حصول آنها، این امر عظیم الهی تحقق نخواهد یافت.

از جمله آن شرایط، وجود توده‌های مردمی بیدار و آگاه و برخوردار از ایثار و فداکاری، شعور اجتماعی و فرهنگ متعالی در حدی مطلوب و ایده‌آل است. بایستی مردم دنیا به این حد مطلوب برسند و از لحاظ اخلاق و علم و آگاهی به رشد ایده‌آل دست یافته باشند و بسیج عمومی و جهانی بر ضد پلیدیها صورت گیرد. انگیزش جهانی به سمت پاکیها و خوبیها در آنان ایجاد شود.

در میان عوامل موثر در بیداری و آگاهی بخشی و انگیزش جهانی مردم، چیزی مؤثرتر از حادثه عاشورا وجود ندارد. قدرت تأثیرگذاری عاشورا در افکار عمومی مسلمانان، بلکه آزاد مردان جهان در طول تاریخ، از جمله امتیازات مهم این حماسه بزرگ است.

به جرأت می‌توان گفت که این بعد از قیام عاشورا در طول تاریخ بی‌نظیر است.

عاشورا و سالار شهیدان همواره محور انگیزشها، قیامها و بیدارگریهای مردم بوده است و هر ساله بُرد بیشتری در بیداری و هدایت مردم دارد و مراسم عاشورا مهم‌ترین عامل گسترش اسلام در جهان شمرده می‌شود.

«ماربین» مورخ آلمانی می‌گوید:

«من معتقدم رمز بقا و پیشرفت اسلام و تکامل مسلمانان به سبب شهید شدن حسین (ع) و آن رویدادهای غم‌انگیز می‌باشد و یقین دارم که سیاست عاقلانه مسلمانان و اجرای برنامه‌های زندگی ساز آنان به واسطه عزاداری حسین (ع) بوده است.»^{۳۴}

همین نویسنده آلمانی می‌گوید:

«هیچ چیز مانند عزاداری حسین نتوانست بیداری سیاسی در مسلمانان ایجاد کند.»^{۳۵}
اخیراً کتابی در آمریکا با نام «نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی» منتشر شده است که در آن گفت‌وگوی مفصلی با دکتر «مایکل برانت» یکی از معاونان سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام شده است. در این گفت‌وگو با اشاره به جلسات سرّی مقامات سازمان سیا و نماینده سرویس اطلاعاتی انگلیس آمده است:

«ما به این نتیجه رسیدیم که پیروزی انقلاب اسلامی ایران فقط نتیجه سیاستهای اشتباه شاه در مقابله با این انقلاب نبوده است، بلکه عوامل دیگری مانند... استفاده از فرهنگ شهادت دخیل بوده که این فرهنگ از هزار و چهارصد سال پیش توسط نوه پیامبر اسلام

(امام حسین(ع)) به وجود آمده و هر ساله با عزاداری در ایام محرم این فرهنگ ترویج می شود و گسترش می یابد.»

سپس برای مقابله با این فرهنگ می گوید:

«ما تصمیم گرفتیم با حمایت های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزارکنندگان اصلی این گونه مراسم، عقاید و بنیانهای شیعه و فرهنگ شهادت را سست و متزلزل کنیم.»^{۳۶}

هر ساله با آمدن عاشورا، شوری دیگر در عالم برپا می گردد. خونهای آزادگان جهان به جوش می آید. با الگوگیری از نهضت عاشورا و نقش آفرینان آن با یکدیگر متحد می شوند و بغض و کینه ستمگران و مستکبران را در دل می پروراند و بارهبر و مقتدایشان همنوا می شوند.

تأثیر عاشورا در تحولات سیاسی اجتماعی پس از خود، به قیام توأبین، قیام مختار و مانند آن منحصر نمی شود، بلکه این قیام، حرکتی مستمر در طول تاریخ اسلام به راه انداخت که تاکنون هم در تحولات اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی مؤثر است.

تمام نهضت‌های به حقی که در جهان اسلام پس از شهادت امام حسین(ع) به وجود آمده، دست‌مایه اصلی اش یاد و خاطره قیام عاشورا بوده و خواهد بود. یکی از این نهضتها، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است که بدون تردید با الهام‌گیری از عاشورای سالار شهیدان صورت گرفته است و تا قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع) نیز این تأثیرگذاری تداوم خواهد یافت و به تعبیر امام خمینی(ره): «واقعه عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۴۲ و از آن تا قیام عالمی بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء در هر مقطع، انقلاب ساز است.»^{۳۷}

براساس پاره‌ای از روایات می توان گفت که انقلاب اسلامی ایران که خود ثمره عاشورا و سیدالشهدا است، زمینه ساز ظهور حضرت مهدی(ع) و قیام و انقلاب جهانی آن حضرت است. رسول خدا(ص) فرمود:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ.^{۳۸}

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی(ع) فراهم می سازند.

امام علی (ع) فرمود:

مردی از قم مردم را به سوی حق دعوت می‌کند و گروهی از مردم همانند پاره‌های آهنین هستند، دعوتش را لبیک می‌گویند. طوفانها نمی‌توانند آنها را بلغزانند. از جنگ خسته نمی‌شوند و ترسی به دل راه نمی‌دهند. فقط بر خداوند توکل می‌کنند و سرانجام پیروزی از آن پرهیزکاران خواهد بود.^{۳۹}

امام باقر (ع) نیز فرمود:

گویا می‌بینم که مردمی در شرق قیام کرده‌اند حق را طلب می‌کنند، ولی - سردمداران حکومت - حق را به آنها نمی‌دهند، پس از مدتی دوباره حق را می‌طلبند، این بار نیز - رژیم حاکم - از دادن حق به آنها امتناع می‌ورزند، ولی در این دفعه وقتی مردم اوضاع را چنین می‌بینند شمشیرهای خود را بر شانه‌ها می‌نهند، - سردمداران حکومت که خود را در برابر قیام گسترده ملت مشاهده می‌کنند و تاب مقاومت در خود نمی‌بینند - تسلیم خواسته‌های آنان می‌گردند، ولی این بار مردم نمی‌پذیرند - که دیگر خواستار تغییر رژیم هستند - تا بالاخره قیام می‌کنند - و رژیم حاکم را ساقط می‌نمایند و حکومتی براساس مبانی اسلامی تشکیل می‌دهند - و این حکومت را جز به صاحب شما - بقیة الله الاعظم - تحویل نمی‌دهند، کشته‌های آنان شهیدند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر ابقا می‌کنم.^{۴۰}

از این گونه روایات زمینه‌سازی انقلاب اسلامی ایران برای ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) استفاده می‌شود و بدون تردید این انقلاب از برکات و ثمرات عاشورای حسینی است.

اگر «عاشورا» پشتوانه انتظار قائم آل محمد (ص) است، پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دوچندان کرد.

رسانه‌های عمومی - به ویژه صدا و سیما - حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند. حسین (ع) و یارانش الگوی منتظرانند. از این سو، باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.^{۴۱}

پی‌نوشتها:

۱. خدا کند تو بیایی، سید مهدی شجاعی، ص ۱۰۲.
۲. برخی از این آیات، تحت عنوان بعثت انبیاء خواهد آمد.
۳. ر.ک. به سوره‌های احزاب، آیه ۴۰، انبیاء، آیه ۱۰۷، سبأ، آیه ۲۸ و اعراف، آیه ۱۹۹.
۴. کافی، ج ۱، ص ۲۹۵.
۵. ر.ک. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵، حدیث ۴۴.
۶. ر.ک. همان، ص ۲۲۵، حدیث ۶.
۷. ر.ک. همان، ص ۲۲۳، حدیث ۱.
۸. ر.ک. همان، ص ۲۴۳، حدیث ۴۰؛ ص ۴۴۴، حدیث ۴۱، ۴۲ و ۴۳.
۹. ر.ک. همان، ص ۲۲۴، حدیث ۳.
۱۰. ر.ک. همان، ص ۲۴۵، حدیث ۴۵.
۱۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.
۱۲. ر.ک. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الزمان (عج).
۱۳. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.
۱۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.
۱۵. عقد الدرر، ص ۴۶، باب ۱؛ فراند السمطین، ج ۲، ص ۳۲۵.
۱۶. اصول کافی، ج ۲، ترجمه سید جواد مصطفوی، ص ۴۸۶-۴۸۷، دفتر نشر و فرهنگ اهل بیت (ع).
۱۷. ر.ک. عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها، رهیافت‌ها)، پورسیدآقایی، ص ۹-۱۰، مؤسسه انتشارات حضور.
۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.
۱۹. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۵، چاپ علمی قم.
۲۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۱.
۲۱. همان، ج ۵۱، ص ۲۸.
۲۲. ر.ک. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۳۱۶-۳۱۷.
۲۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۲۴. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.
۲۵. همان، در اعمال روز عاشورا (خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانانی قرار دهد که به همراه ولی‌اش، امام مهدی از آل محمد (ع)، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم).
۲۶. ر.ک. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.
۲۷. ر.ک. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵.
۲۸. ر.ک. عاشورا و انتظار، پورسیدآقایی، ص ۲۴-۲۵.
۲۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.
۳۰. غیبت نعمانی، ص ۲۸۴.
۳۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.
۳۲. همان، ص ۱۴۰.
۳۳. همان، ص ۳۶۶.
۳۴. عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، ص ۶۸، به نقل از فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی (ع)، ص ۱۰۹.

۳۵. همان، ص ۶۹.
۳۶. همان، ص ۶۹ - ۷۰.
۳۷. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۹.
۳۸. تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی (ع)، محمدی ری شهری، ص ۳۷، به نقل از کنز العمال، حدیث ۳۸۶۵۷.
۳۹. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.
۴۰. تداوم انقلاب اسلامی ایران تا انقلاب جهانی مهدی (ع)، ص ۴۲-۴۳، به نقل از کتاب الغیبة، ص ۱۴۵-۱۴۶.
۴۱. ر.ک. عاشورا و انتظار، ص ۶۳-۶۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی